



اهالی محله فردوسی  
ماه رمضان امسال  
صدای گرم و گیرای  
سحرخوانشان را  
نمی شنوند

سحرهای  
بدون ملائین



یک قرآن توت شیرین



رفع ۴۰ درصدی مشکلات منتشر شده

۵۴

بازارچه دائمی گل و گیاه توان یابان در بولوار معلم  
چشم به راه شماس

# کلبه امید



منطقه ۱۱  
منطقه ۱۲

شهرآرامحله در سال ۱۴۰۲، کمبودهای مختلف شهری منطقه ۱۱ را پیگیری کرد

## ۵۰ درصد گزارش ها نتیجه داد



سیدمصطفی بهشتی | پیگیری کمبودهای محلات مشهد و مطالبات شهروندی، یکی از اولویت های کاری شهرآرامحله در سال های انتشارش بوده است. در سالی هم که گذشت، مادر محلات بر همین مسیر پیش رفتیم و تلاش کردیم تا این پیگیری ها بهترین نتایج را برای منطقه ۱۱ و شهروندانش رقم بزنند. با توجه به اینکه منطقه ۱۱، محدوده بر خوردار شهری است و بافت آن تا حدود زیادی شکل گرفته است، مطالبات مردم در این منطقه، بیشتر در حوزه خدمات شهری بوده است. در ادامه، مشکلات محلات را که امسال پیگیری کردیم و نتایجی که رقم خورد، از نظر آماری بررسی کرده ایم.

میزان مشکلات شهروندی مطرح شده در شهرآرامحله ۲۰ مورد

میزان کمبودها به تفکیک محلات	
سیدرضی ۱۵ درصد	فارغ التحصیلان ۱۰ درصد
دانشجو ۱۵ درصد	آزادشهر ۱۵ درصد
دانش آموز ۵ درصد	شریف ۱۰ درصد
تربیت ۱۰ درصد	شهیدرضوی ۱۰ درصد
	زیباشهر ۱۰ درصد

میزان مطالبات مردم در حوزه های مختلف شهری	
عمرانی ۲۵ درصد	ترافیکی ۱۵ درصد
خدمات شهری ۳۵ درصد	سایر ۵ درصد
فضای سبز ۲۰ درصد	

نتایج رقم خورده پس از طرح مشکل در شهرآرامحله  
رفع شده ۵۰ درصد | در دست اقدام ۱۵ درصد  
اکنون شرایط حل مشکل فراهم نیست ۳۵ درصد

- شاخص ترین کمبودهایی که در سال ۱۴۰۲ با پیگیری شهرآرامحله در منطقه ۱۱ برطرف شده است
- رفع خطر از مسیرهای حفاری فیبرنوری در محله فارغ التحصیلان
  - پاک سازی محل باکس های زباله در خیابان عدل
  - احیای درختان خشک شده در محل در سنگی پارک ملت
  - رفع آلودگی از محل تجمع آب های سطحی در کال آموزگار



با پیگیری شهرآرامحله در سال ۱۴۰۲، توانستیم بخشی از معضلات الهیه و توس را برطرف کنیم

## رفع ۴۰ درصدی مشکلات منتشر شده



سیدمصطفی بهشتی | منطقه ۱۲ شهرداری مشهد دارای دو بافت متفاوت جمعیتی و شهری است. در یک سمت محدوده نوین شهر الهیه واقع شده است و در سویی دیگر، محدوده تاریخی توس، اهالی این دو محدوده به لحاظ کمبودها و مطالبات، فضایی متفاوت دارند. با فعالیت پررنگ گروه های عمرانی در محدوده توس سال به سال از مشکلات این محدوده کاسته شده است و در سوی دیگر محدوده جوان الهیه به واسطه محلات نوسازی که دارد، مطالبات پر شماری دارد.

شکل نگرفتن معابر الهیه و کمبودهای عمرانی در صدر مطالبات اهالی منطقه ۱۲ است که سال ۱۴۰۲ در شهرآرامحله پیگیری کردیم.

میزان مشکلات شهروندی مطرح شده در شهرآرامحله ۲۵ مورد

میزان کمبودها به تفکیک محلات		میزان مطالبات مردم در حوزه های مختلف شهری	
امیریه ۳۶ درصد	عمرانی ۵۲ درصد	مجیدیه ۲۰ درصد	خدمات شهری ۱۲ درصد
رحمانیه ۱۶ درصد	فضای سبز ۱۲ درصد	الهیه ۲۰ درصد	حمل و نقل عمومی ۱۲ درصد
نقیویه ۴ درصد	ترافیکی ۱۲ درصد	کلاته برفی ۴ درصد	

نتایج رقم خورده پس از طرح مشکل در شهرآرامحله

رفع شده ۴۰ درصد | در دست اقدام ۴۰ درصد  
اکنون شرایط حل مشکل فراهم نیست ۲۰ درصد

شاخص ترین کمبودهایی که در سال ۱۴۰۲ با پیگیری شهرآرامحله در منطقه ۱۲ برطرف شده است

- جمع آوری سرعت گاه حادثه ساز بولوار مجیدیه
- اصلاح هندسی ورودی پر حادثه خیابان شاهنامه ۱۸
- ایجاد مسیر ویژه اتوبوس برای روز بازار مجیدیه
- بهسازی آسفالت ناهموار معابر فرعی خیابان امیریه



## منطقه ۱۲

شهرداری منطقه و با دستور مقام قضایی و آرای کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها و کمیسیون بند ۱۴ ماده ۵۵ انجام گرفت و طی آن بیش از ۲۹ تلافی ساختمانی شامل تفکیک غیرمجاز و تغییر کاربری غیرقانونی رفع شد. مساحتی در حدود ۴۹ هزار و ۵۰۰ مترمربع از اراضی اطراف بولوار شاهنامه که دارای کاربری کشاورزی است و دستخوش تغییر کاربری و تفکیک غیرمجاز شده بود، با این عملیات به وضع قبل بازگشت.



### در راستای حفاظت از حریم شهر و با دستور مقام قضایی صورت گرفت

## آزادسازی زمین های کشاورزی

در راستای حفاظت از حریم شهر مشهد در منطقه ۱۲ و مبارزه با اخلافگران زمین و مسکن در توس، رفع تلافی از اراضی اطراف بولوار شاهنامه انجام گرفت. این اقدام با مشارکت شهرداری منطقه ۱۲ و نیروی انتظامی شهر مشهد در محدوده تاریخی توس اجرایی شد.

منطقه ۱۲ به عنوان یکی از مناطق بزرگ شهری، بیشترین حریم را بین مناطق شهرداری مشهد دارد که حفاظت از این محدوده به عهده شهرداری منطقه است. امری که در راستای صیانت از حقوق بیت المال و حفظ کاربری اراضی در اطراف روستاها بسیار حائز اهمیت است. با عملیات رفع تلافی اراضی بولوار شاهنامه، ۴۹ هزار و ۵۰۰ مترمربع از زمین های کشاورزی و باغی این محدوده آزادسازی شد تا دوباره امکان کاشت محصول در این اراضی فراهم باشد. آزادسازی اراضی بولوار شاهنامه توسط اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای

## منطقه ۱۱

### دانش آموزان گل کاشتند

باغچه های بزرگ و سرسبز بوستان ملت، در آستانه فرارسیدن بهار، با هنر دانش آموزان شهرمان گل آرای شد. کاشت گل در بوستان قدیمی شهر، برنامه ای بود که به همت شهرداری منطقه ۱۱ و با مشارکت دانش آموزان انجام شد. ۲۵ دختر حاضر در این برنامه با همکاری نیروهای فضای سبز ۱۴۰۰ بوته گل پامچال را برای ایجاد نشاط و زیبایی در بوستان ملت کاشتند.

### نرده گذاری بوستان مادر و کودک

در راستای افزایش امنیت مادران و کودکان در بوستان مادر و کودک، نرده گذاری این مجموعه آغاز شده است. این طرح در چهار ضلع بوستان هفت هکتاری مادر و کودک اجرا خواهد شد و علاوه بر نرده گذاری، ایجاد پوشش با فلکسی نیز انجام می گیرد. دیواره های بوستان مادر و کودک با این طرح تا ارتفاع ۵/۵ متر بالای می رود و شرایط ورزش برای بانوان تسهیل خواهد شد.

### رقابت ورزشی در ماه مبارک

هم زمان با آغاز ماه مبارک رمضان، مسابقات ورزشی آقایان و بانوان، با عنوان جام رمضان در منطقه ۱۱ برگزار می شود. این رقابت های مهیج به همت اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه و در رشته های فوتسال، والیبال و پینگ پنگ برپا می شود. سالن های ورزشی گلستا، امید و زندگی و مادر و کودک میزبان این دوره از مسابقات خواهد بود.

### آموزش کاشت گل و گیاه

کارگاه آموزشی کاشت و نگهداری انواع گل ها و درختان در مدارس منطقه ۱۱ برپا شد. این برنامه به مناسبت هفته درخت کاری و به همت گروه دوام ثامن منطقه در مدارس منطقه اجرا شد. طی این دوره، ۲۵۰ دانش آموز، ضمن آشنایی با کاشت صحیح گونه های متنوع گیاهی، نکات لازم در باره بذرپاشی، نحوه آبیاری و نگهداری گل ها را فرا گرفتند.

## منطقه ۱۱

عابران پیاده نیز خواهد شد که به پیاده محور بودن فضای شهری کمک می کند. معرفی پروژه های اصلاح هندسی امسال بخش پایانی صحبت های عرفانیان بود که در این باره گفت: ورودی و خروجی بولوار آموزشگار به بزرگراه آزادی، زیرگذر جانناز، ورودی آموزشگار ۲۷، کندراره بزرگراه آزادی در محل پمپ بنزین، تقاطع بولوار دانشجو و مهران، انتهای بولوار فرهنگ و ورودی محله تر بیت، هفت نقطه ای هستند که اصلاح هندسی در آن ها اجرا شده است.

اصلاح هندسی سال ۱۴۰۲ در منطقه افزود: از ابتدای سال تا کنون هفت پروژه اصلاح هندسی با مترای بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ مترمربع در معابر این منطقه اجرا شده است که رویکرد اجرای این طرح ها روان شدن ترافیک، کاهش تصادفات و ایمن سازی معابر بوده است. شهردار منطقه ۱۱ ادامه داد: پروژه های اصلاح هندسی منطقه ۱۱ در نقاط پر تردد و به همت اداره عمران و حمل و نقل اجرایی شده است. اجرای این طرح ها علاوه بر کاهش ترافیک، سبب ایمنی تردد

است که همواره میزان تردد در آن ها زیاد است؛ بنابراین باید برنامه هایی پیش بینی و اجرا شود تا تردد وسایل نقلیه در این مسیرها مدیریت شود. مهدی عرفانیان ادامه داد: یکی از طرح های موفق در حوزه مدیریت ترافیک در سال های اخیر، اجرای پروژه های اصلاح هندسی بوده است. این پروژه ها در سال های گذشته در نقاط مختلف منطقه ۱۱ از جمله میدان دانشجو و میدان تربیت هم اجرایی شده و در باز شدن گره های ترافیکی مؤثر بوده است. عرفانیان در ادامه با اشاره به پروژه های

ترافیک و اهمیت ایمنی عابران پیاده و ایجاد نظم در تردد وسایل نقلیه سبب شده در چند سال اخیر، اصلاح هندسی معابر، تقاطع ها و میدان های سطح شهر در دستور کار مجموعه مدیریت شهری قرار گیرد. این طرح سال ۱۴۰۲ در منطقه ۱۱ ادامه دار بوده و در چند معبر اجرایی شده است. شهردار منطقه ۱۱ در گفت و گو با شهر آرمحله به ضرورت اجرای طرح های عمرانی برای روان شدن ترافیک در منطقه اشاره کرد و گفت: محدوده منطقه ۱۱ دارای معابری

شهرداری منطقه ۱۱ در سال ۱۴۰۲ برای مدیریت ترافیک اصلاح هندسی معابر را انجام داد

## ایمنی شهر برای سواره و پیاده



## اینفوگرافی

### آراستگی بی وقفه شهر

دوباره بوی بهار می آید و کار بی وقفه نیروهای فضای سبز و خدمات شهری آغاز شده است. این داستان آخر سال معابر شهر بهشت است. به هر گوشه از این شهر که سری بزنیم، عده ای مشغول آراستن شهر برای استقبال از بهار هستند، کارهایی که از صبح اول وقت شروع می شود و تا پاسی از شب ادامه دارد. در ادامه برخی از فعالیت های این حوزه در منطقه ۱۱ را به روایت آمار بررسی می کنیم.

## منطقه ۱۱

کاشت گل فصلی ۱/۵ میلیون بوته

رنگ آمیزی جداول ۱۷۴ هزار متر طول

کاشت گل دائمی ۳ هزار بوته

رنگ آمیزی بولوار ترافیکی ۳۱ پایه

کاشت پرچین ۳ هزار بوته

جمع آوری خاک و نخاله ۲۱ تن

نصب المان گل ۱۱ مورد

رنگ آمیزی مخازن زباله ۲۳۴ مخزن

نصب نماد نوروزی ۳ المان

رنگ آمیزی مبلمان شهری ۴۲۰ المان

نصب المان نوری ۸ پایه

فهیمة شهری اده هاگلدان کوچک نارنج که قرار است جای سبزه های سفره های هفت سین را بگیرد، اولین چیزی است که به چشم می خورد. پارکینگ این خانه که پلاک «کلبه امید» دارد، توجه هر رهگذری را به خود جلب می کند و سطر و زمی های آخر سال، سبزه های آن بار دیگر یادمان می آورد که نوروز نزدیک تر شده است. بهار برای توان یابان کلبه امید که از ماه پیش، صد ها گل و گیاه پرورش داده اند، فصل برداشت است تا با فروش گیاهان شان، درآمدی را که نتیجه زحمات شان است، به خانه های شان بیاورند و بار دیگر به همه ثابت کنند خواستن توانستن است. زیبایی های کلبه امید، آن قدر زیاد است که نمی دانیم از کجای آن بگوییم. از گل ها و گیاهان سرسبز و کاکتوس سه متری اش یا از توان یابان توانمندی که با وجود مشکلات متعدد جسمی و ذهنی، دست از تلاش برنداشته اند و دنبال کسب و کارند. همه این ها بابتیم هستند اما حالا به لطف معلم جوان شان، محمد عابدی، شاغلانی شده اند که دارند خرج زندگی می دهند. عابدی، بیشتر از معلم، نقش پدر را برای شاگردانش دارد. او آن ها را از زباله گردی، خانه نشینی، سر بار بودن و... راهی فضای کار کرده است تا مثل دیگر مردم بتوانند در جامعه حضور داشته باشند. شاید برای همین است که روی آینه و جعبه های خرید کلبه امید این عبارت را نوشته اند: «مهمان توانمندی ما باشید».

## بازارچه دائمی گل و گیاه توان یابان در بولوار معلم چشم به راه شماست

# کلبه امید



منطقه  
۱۱

آقا محمد می گوید: بیشتر توان یابان اینجا بابتیم باید سرپرست هستند. اکثرشان از راه های خیلی دور و حتی روستاهای اطراف می آیند، به همین دلیل یک مشکل عمده شان رفت و آمد است. او به هوش خوب بعضی از بچه ها اشاره می کند و محمد رضا را با دست نشان می دهد و می گوید: آقا محمد رضا که می بینید، همه کاره اینجا است. کلید را به او داده ام. حساب و کتاب ها را انجام می دهد و برای خیلی از مشکلاتی که پیش می آید، طرح و ایده دارد. گفت و گوی دوستانه ای بین این معلم و شاگردش شکل می گیرد و بعد صحبت را از سر می گیریم.

او تعریف می کند: سه سال پیش، یکی از دوستانم در بولوار امامت دفتر مهندسی باز کرد و دنبال نیروی خدمه برای آن بود. یکی از دانش آموزان توان یابم را به او معرفی کردم. از آن پس دوستان آن دانش آموز مدام به دفتر مهندسی می آمدند و کنار او بودند. چون رفت و آمدشان زیاد بود، به دوستم گفتم بیاطبقه پایین شرکت را در اختیارشان بگذاریم تا در آن گل و گیاه بفرشند و سرشان گرم باشد. دوستم موافقت کرد و چندی بعد، کاروبار بچه ها گرفت اما متأسفانه بعد از مدتی، صاحب ملک، تقاضای پول رهن ۴۰۰ میلیون تومانی کرد که خیلی زیاد بود و چون توان پرداختش را نداشتیم، آن مکان تعطیل شد.

### رئیس کارخانه، حامی توان یابان شد

یک روز عابدی به مهمانی تولد دوستش می رود و به عنوان هدیه، گلدانی را می برد که توان یابان مدرسه اش پرورش داده بودند. این مهمانی او را با بهرام همایی آشنا می کند که رئیس یکی از کارخانه های کبک و کلوچه شهرک صنعتی است. وقتی همایی قضیه تعطیل شدن مرکز بولوار امامت را می شنود، قبول می کند هزینه های رهن و اجاره مکان جدیدی را بدهد و این می شود که کلبه امید در بولوار معلم پا می گیرد و خیران دیگری هم پای کار می آیند.

سه ماه پیش، این مجموعه با چهار توان یاب، شروع به کار کرد اما حالا دوازده توان یاب در آن مشغول به کار هستند. آن ها در مدرسه تلاش، نحوه نگهداری و پرورش گل و گیاه را یاد گرفته و گیاهانی را که آنجا پرورش داده اند، برای فروش به کلبه امید می آورند. همچنین بعضی گلخانه دارها را یگان یاد قبیل مبلغ ناچیزی، تعدادی گل و گلدان داده اند تا محصولات کلبه امید تنوع بیشتری داشته باشد.

### ● اضافه کاری در مدرسه استثنایی، من را عاشق آن ها کرد

از در که وارد می شوی، بوی طراوت و سرسبزی به مشام می رسد، بوی گل و گیاه و سبزه های شادابی که باغبان حسابی به آن ها رسیده است. هوای سبک اینجا، ریه های دود گرفته مان را بیدار می کند و ناخودآگاه چند نفس عمیق تری می کشیم. تخت چوبی، لوسترها و دیوار کوب های چوبی، کوزه های سفالی و گیاهان سرسبزی که همه هنر دست توان یابان است، زیبایی و دل نشینی فضای را دوچندان کرده است.

دو سه ماهی می شود که کلبه امید در محله تربیت بین معلم ۷۲ و ۷۴ افتتاح شده است و دوازده توان یاب در آن مشغول به کارند. حدود هزار گلدان گل و گیاه و سبزه در اینجا قرار داده که همه آن ها را توان یابان کاشته اند. همه سود حاصل از فروشش هم متعلق به خودشان است. انواع گیاهان از جمله حسن یوسف، شمعدانی، سانسور یا، دیفن باخیا، افور بیا، گندمی، آنتور یوم و... در اینجا به چشم می خورد. بینشان هم یک کاکتوس سه متری است که اگر کمی بیشتر قد بکشد، به سقف می رسد. بانی و بنیان گذار اینجا، معلم جوانی به نام محمد عابدی است که زندگی اش با توان یابان و نیازمندان گره خورده است. او سال ۸۹ وارد آموزش و پرورش شد و از آن زمان، در مدارس محروم حاشیه شهر تدریس می کرده است. یک روز برای اضافه کار، او را به مدرسه دانش آموزان استثنایی می فرستند و او از آن زمان چنان عاشق این افرادی می شود که با هزار سختی و پیاپی از پیگیری های مکرر، کارهای انتقالی اش را انجام می دهد تا از مدارس عادی به استثنایی برود. آقا محمد از سال ۹۸ تا کنون در مدرسه استثنایی «تلاش» کار می کند که در آن، رشته های پرورش گل و گیاه و نجاری را به توان یابان آموزش می دهد.





### شب‌های رفتنم زباله گردی

محمد رضا به قول دوستانش سخنگو و همه کاره کلبه امید است و همه او را برای شروع گفت و گو به ما نشان می دهند. محمد رضا که از صحبت های دوستانش خنده بر لبش نشسته است، از پشت میز کارت خوان بلند می شود و پیش ما می آید. او نمی تواند به راحتی صحبت کند. شمرده شمرده حرف می زند تا کلامش را متوجه شویم.

می گوید: اینجا خانه امید ما است. جای دیگری نداریم که برویم. اگر اینجا نباشد، خانه نشین می شویم. حتی به پارک و... نمی توانیم برویم. خیلی ها ما را مسخره می کنند یا حرف هایی می زنند که ناراحت می شویم. اما در اینجا این طور نیست.

محمد رضا تعریف می کند: من با مادر بزرگ پیرم زندگی می کردم. در مدرسه خیلی می خوابیدم. آقا (محمد عابدی) پرسید چرا این قدر می خوابم! گفتم شب ها می روم زباله گردی. وقتی فهمید، ناراحت شد و من را آورد به اینجا سر کار. بعد از مدتی مادر بزرگم فوت کرد. به آقا گفتم دیگر جایی برای خواب ندارم و باید در خیابان بخوابم. باهنر پنه خودش و خیران، خانه ای برایم اجاره کرد. من غیر از آقا هیچ کس را ندارم. فقط او به فکر من است.

### دیگر نمی گذارم مادرم کارگری کند

هادی دستش را روی قلبش را می گذارد. می خواهد بگوید آقا عشق من است. اوسه تا تو بوس سوار می شود تا به اینجا برسد. در مسیر رفت و آمد هم مشکلات متعددی برایش پیش می آید. گاهی زمین می خورد. گاهی فشارش می افتد. بعضی ها مسخره اش می کنند اما با وجود این آن قدر کلبه امید را دوست دارد که این سختی ها را هر روز تحمل می کند. او با زبان خودش به ما می فهماند که از وقتی به کلبه امید می آید، شاد تر است. مدرسه را از یاد دوست ندارد اما با سر به اینجامی آید.

یکی از بچه ها که نمی خواهد نامش ذکر شود، می گوید: پدرم ما را رها کرده است. مادرم در خانه مردم کارگری می کرد و خرج ما را می داد. هر بینه داروهای من زیاد است و همیشه با خودم می گفتم اگر پول داروهای من نباشد، مادرم این قدر بی پولی نمی کشد اما از وقتی به کلبه امید آمده ام، دیگر نمی گذارم مادرم برود کارگری کند. او با خنده ای توأم با غرور می گوید: خودم نوکروش هستم.



### ● گلدان می شکنیم، اما دل نه!

این اشتغال زایی مشکلات پنهان خودش را هم دارد. حین صحبت با عابدی هستیم که یکی از توان یابان، هنگام رد شدن از کنار گلدان ها به یکی از آن ها برخورد می کند و آن را می اندازد. تاخم می شود آن را درست کند. با دو گلدان دیگر برخورد می کند و آن ها هم می شکنند. عابدی برای کمک به کنارش می رود و چند بار با آرامش می گوید: عیب ندارد. چیزی نشده. طوری نیست.

بعد که گلدان ها جا به جا می شوند، آقا محمد می گوید: یکی از مشکلات ما در اینجا همین است که روزی چند گلدان می شکنند. دست خودشان نیست. اقتضای شرایط جسمی شان است و هنگام عبور و مرور به این ها برخورد می کنند. ما هم باید طوری واکنش نشان دهیم که ناامید و مضطرب نشوند. او ادامه می دهد: کارت خوان و تمام حساب و کتاب ها هم دست خودشان است. منتهی پیش می آید که به عنوان مثال به جای ۷۰ هزار ریال، ۷ هزار ریال یا ۷ میلیون ریال کارت می کشند. با وجود این حتی وقتی خودمان حضور داریم، ما کارت نمی کشیم. می گذاریم همه کارها را خودشان انجام دهند. اما پرینت حساب ها را مدام با کمک خودشان بررسی می کنیم تا اگر اشتباهی پیش آمد، برطرف کنیم.

### ● تحمل سختی های زیاد

بیماری های توان یابان از دیگر سختی های کارشان است. گاهی تشنج می کنند. گاهی فشارشان می افتد. گاهی دارویی را فراموش کرده اند بخورند و اعصابشان درگیر می شود.

عابدی می گوید: یک بار دیدیم یکی از توان یابان نیست. این طرف و آن طرف که دنبالش گشتیم، دیدیم در سرویس بهداشتی حالش بد شده و افتاده است.

او آهی می کشد و ادامه می دهد: این بچه ها سختی های زیادی را تحمل می کنند تا بتوانند کار کنند و درآمد داشته باشند. دوست ندارند سر بار خانواده باشند. اگر اندک شرایطی برای اشتغالشان فراهم باشد، همه سختی هایی که برای ما غیر قابل تصور است، به جان می خورند و خم به ابرو نمی آورند؛ فقط به این امید که کار و درآمد داشته باشند.

به گفته آقا محمد، گاهی ممکن است بعضی افراد رفتار مناسبی با توان یابان نداشته باشند، اما بیشتر مردم وقتی می بینند این مؤسسه برای توان یابان است، دست و دل باز تر خرید کرده و آن را به دیگران هم معرفی می کنند. او همین حمایت های مردمی را عامل اصلی پیشرفت و شناخته شدن کلبه امید می داند و امیدوار است که با کمک مردم و خیران بتوانند برای توان یابان بیشتری اشتغال زایی کنند، چرا که کلبه امید، توان یابان را از بیکاری و مشاغل کاذب، به شغل آبرومند رسانده است.



### ● توان یابان، قبل و بعد از اشتغال

عابدی می گوید: با اینکه دوسه ماه بیشتر نیست کلبه امید راه انداخته ایم، کسانی که در فضای مجازی ما را دیده اند، حتی از شانسی و راه های دور می آیند تا سبزه عیدشان را از اینجا خریداری کنند و کمکی به این بچه ها باشد.

او نگاهش را به دور تادور اتاق می چرخاند و می گوید: جانداریم، و گر نه همین مدرسه ای که من درس می دهم نود دانش آموز توان یاب دارد که همه آن ها شرایط مالی سختی دارند و دنبال کار هستند. خدا را شکر می کنیم که توانستیم اینجا راه بیندازیم اما اگر بتوانیم جای بزرگ تری بگیریم، توان یابان بیشتری را می توانیم مشغول به کار کنیم. به نظر آقا محمد اهمیت اشتغال برای توان یابان اگر بیشتر از افراد عادی نباشد، کمتر از آن نیست؛ زیرا هزینه های درمان آنان زیاد است و خودشان را سر بار خانواده می بینند. از طرفی هم خانه نشینی باعث افسردگی و تشدید ناراحتی های عصبی شان می شود.

اومی گوید: بیشتر همین بچه های ما تا قبل از اینکه اینجا مشغول کار شوند، ظاهری ژولیده و لباس های نامرتبی داشتند اما بعد از اینکه مشغول کار شدند، کلی به خودشان می رسیدند. مسواک و عطر و ادکلن می زنند، لباس مرتب می پوشند، با احترام با دیگران حرف می زنند. مشتری مداری می کنند و خلاصه اینکه همه جوهره شخصیت اجتماعی خودشان را بالا برده اند.

### ● فروش شیرینی خانگی دختران توان یاب

آقا محمد به انگیزه توان یابان برای کار اشاره می کند و کوزه بزرگی را که در آن چند شاخه خشکیده درخت گذاشته شده و شیشه های حاوی گیاه به آن وصل شده است، نشان می دهد و می گوید: این کوزه را می بینید؛ با کمک و فکر و خلاقیت همین توان یابان درست کرده ایم. اول هدفمان زبیبایی و دکور اینجا بود، اما خیلی از بازدید کننده ها از آن خوششان آمده و سفارش داده اند برایشان درست کنیم.

شیشه های وصل شده به شاخه های خشکیده، شیشه های شربت بوده اند. یکی از داروخانه داران، تعداد زیادی شربت تاریخ گذشته داشته است که بچه های کلبه امید، آن ها را گرفته اند تا شیشه هایش استفاده کنند. بعد هم در این شیشه ها گیاه پتوس گذاشته اند و با فکر و خلاقیت خودشان، آن ها را به شاخه های خشکیده وصل کرده اند.

در حال حاضر، چون نزدیک عید است، هر دو طبقه کلبه امید، به گل و گیاه اختصاص داده شده است. همچنین تعداد زیادی نارنج را کاشته اند و به جای سبزه گندم، سبزه نارنج می دهند که اگر از آن به درستی مراقبت شود، بزرگ می شود و نارنج می دهد. برای اینکه دختران توان یاب هم بتوانند درآمدی داشته باشند، کنار همین گل ها و گیاهان، میزبان برای فروش شیرینی های خانگی آن ها اختصاص داده اند.

آقا محمد می گوید: طبقه بالا را به دست دودختر کم بینا و ناشنوا سپرده ایم که هنگام برپایی جلسات با خیران، پذیرایی می کنند و چای و قهوه می آورند. در واقع فضایی شبیه کافی شاپ است.



اهالی محله فردوسی ماه رمضان امسال  
صدای گرم و گیرای سحرخوانشان را نمی شنوند

## سحرهای بدون مُلا امین



صدرا ماه مبارک رمضان از راه رسیده و جای خالی سحرخوان محله فردوسی پیش از همیشه برای اهالی احساس می شود. امسال دیگر همسایه ها صدای گرم و گیرایش را در کوچه پس کوچه های محله نمی شنوند. کسی نیست که دق الباب کند و مطمئن شود همه همسایه ها بیدار شده اند. امین... خانزاده سحرخوان محله فردوسی تیرماه امسال در هشتاد و هفت سالگی به رحمت خدافت. او سال های زیادی با خواندن اشعار مذهبی در سحرهای ماه رمضان، ساکنان اینجارا از خواب بیدار می کرد. به محله فردوسی آمده ایم تا اهالی از او آداب و رسوم ماه مبارک رمضان برایمان بگویند.

### مرور خاطرات با سحرخوانی

انتهای خیابان فردوسی ۳، جایی که دیوار آرمگاه فردوسی به پایان می رسد، خانه امین... خانزاده معروف به «ملا امین» است. جایی که او هر روز از آنجا خودش را به مسجد قدیمی محله یعنی مسجد صاحب الزمان (عج) اسلامیه می رساند و از بلندگوی مسجد، اذان صبح، ظهر و مغرب را می خواند. این ساکن قدیمی محله فردوسی علاوه بر اقامه اذان روزانه، سحرخوانی ماه مبارک رمضان را هم برعهده داشت و همسایه ها و اهل محله با صدای او از خواب بیدار می شدند. با اینکه سال های اخیر با وجود فناوری، دیگر کسی خواب نمی ماند، باز هم همسایه ها از او می خواستند که سنت قدیمی سحرخوانی را ادامه دهد و خاطرات خوش گذشته را به یاد آن ها بیاورد.

### به صدای گرم و دل نشینش عادت کرده بودیم

صغری حسینی ۵۸ سال دارد و ۳۲ سال پیش از تربت حیدر به به اینجا آمده و ساکن شده است. همسایه دیوار به دیوار ملا امین است و می گوید: خداوند حاج آقا و حاج خانم را بیامرزد. سحرهای ماه مبارک با صدای او اینجا حال و هوای دیگری داشت. با وجود تلفن همراه و تلویزیون دیگر کسی خواب نمی ماند و مردم خودشان برای سحر بیدار می شوند. ولی بعضی وقت ها رسم و رسوم قدیم را نمی توان با هیچ چیز عوض کرد. ساکنان محله فردوسی در دو سمت آرمگاه، ملا امین خدا بیامرز را می شناختند و دوستش داشتند. قدیمی های اینجا سال ها با صدای او سحرهای ماه مبارک بیدار شده و سفره سحر نشسته اند. امسال که نیست، اهالی کوچه گویی پدرشان را از دست داده اند. خود من امسال نگرانم که سحر خواب بمانم، به صدای گرم و دل نشین ملا امین عادت کرده بودیم.

### سحرخوانی با طبل

علی اصغری گپی همسایه دیگر خانواده خانزاده است. موهایش را در همین محله سفید کرده است و از روزگاران خوش گذشته و ماه های مبارک خاطرات بسیاری به یاد دارد. او می گوید: آن زمان که ما بچه بودیم، خیلی قبل تر از اینکه ساعت و تلویزیون باشد، این سحرخوان ها بودند که بیدار کردن مردم شهر و روستا بر عهده داشتند. معمولاً دو ساعت ماند به اذان صبح، طبل و چوب برمی داشتند و راهی کوچه ها می شدند. اشعار مذهبی می خواندند و خبر می دادند که نزدیک سحر است. چراغ خانه ای که روشن نمی شد، سحرخوان به در خانه می رفت و با دق الباب، ساکنان خانه را بیدار می کرد تا برای سحر آماده شوند. ملا امین هم همین طور بود. کودکی و نوجوانی را در روستای خودش به همان شیوه سحرخوانی کرده بود و از وقتی به اینجا آمد، با حضور در مسجد و پشت بلندگو سحرخوانی می کرد. خداوند بیمارزدش. مرد مهربان و صبوری بود. با اینکه سواد نداشت، اشعار مذهبی را حفظ کرده بود و با صدایی دل نشین می خواند.



منطقه  
۱۲

عکس: بیونس یاوفا/شهرآرا

### به استقبال رمضان با خانه تکانی

صغری اژدری، همسایه روبه روی ملا امین، در حال تمیز کاری خانه برای ماه مبارک و نوروز است. هفتاد سال دارد ولی سرپاست، چادرش را به کمر بسته و سخت مشغول کارهای خانه است. او می گوید: از قدیم رسم بر این بود که یک ماه مانده به ماه مبارک، خانه را تمیز و مرتب می کردیم. ما به احتیاج مورد نیاز ماه رمضان را هم می خریدیم تا برای پخت و پز کم و کسری نداشته باشیم. سال ها رسم بود که غذای سحر را همان زمان می پختیم و غذا تازه بود، ولی حالا غذا را شب می پزند و برای سحر گرم می کنند. خیلی ها حتی غذا را شب می خورند و پای سفره سحری نمی نشینند و از حس و حال سحرهای ماه مبارک جامی مانند.

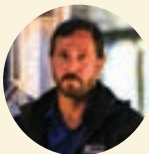


### با خبر شدن از حال هم در جلسه قرآن

ماه رمضان ماه قرآن و دعاست و همسایه هایی که خانه بزرگ تری دارند، جلسات قرآن برپا می کنند. معمولاً خانم ها صبح های ماه رمضان در این جلسات شرکت می کنند و از حال و هوای همسایه ها با خبر می شوند. صغری خانم این هارامی گوید و ادامه می دهد: از ساعت ۳ ظهر به بعد هم کارهای افطار را شروع می کنیم. اینجا بیشتر برای افطار غذاهایی مثل آش رشته، بلغور و سوپ آماده می کنند. خیلی وقت ها همسایه های یک طرف افطار برای هم می برند تا در ثواب آن شریک شوند. البته مسجد هم افطاری ساده دارد و اهالی همه آنجا دور هم جمع می شوند. هر روز هم چند نفر از خانم ها برای کمک و آماده کردن افطاری به مسجد می روند.

### آموختن سحرخوانی در چشمه گیلاس

علی خانزاده، پسر دوم مرحوم ملا امین، ۴۳ سال دارد. صدای گرم و گیرا را از پدر دارد و مداح مجلس اهل بیت (ع) است. سحرخوانی را از پدر آموخته اما این رسم را اجرا کرده است و می گوید: ما مردم ساعت و تلفن همراه دارند و به راحتی سحرها از



خواب بیدار می شوند. پدر هم به خواسته قدیمی هاتا همین سال گذشته این سنت را اجرامی کرد. البته چند سال اخیر به دلیل ضعف جسمانی که داشت برایش در خانه یک دستگاه پخش و میکروفون خریدیم. سحر خودش را به دستگاه می رساند و شروع به سحرخوانی می کرد. قدیمی هادوست داشتند پدر این رسم را زنده نگه دارد. علی آقا سحرخوانی را گونه ای دیرین و سنتی از مناجات خوانی می داند که ساعتی پیش از اذان صبح خوانده می شود و در ماه مبارک رمضان، رونق بیشتری دارد. او می گوید: پدرم این سنت را از استاد این کار در روستایشان، نزدیک چشمه گیلاس آموخت و از کودکی آن را با طبل اجرا می کرد. از وقتی به روستای اسلامیه آمدم به مسجد محله رفت و پشت بلندگوی مسجد سحرخوانی کرد. برای اینکه سحر خواب نماند شب ها خواب نداشت. در سرما و گرما خودش را به مسجد می رساند و اشعاری را که انتخاب کرده بود برای سحری می خواند. بیشتر اشعارش در مدح حضرت علی (ع) بود. سواد خواندن و نوشتن نداشت و همه این اشعار را با تکرار زیاد حفظ کرده بود.

### قرائت قرآن برای اموات

دخترها و عروس هادر حال تمیز کردن خانه ملا امین هستند تا همسایه ها امسال در خانه او جلسات قرآن را برپا کنند. جلساتی که بچه ها به یادگار از او دارند. صغری خانزاده یکی از دخترهای ملا امین است. صحبت از سحرخوانی پدر که می شود، اشک در چشمانش حلقه می زند و یاد ایامی می افتد که همه همسایه ها با صدای پدرش برای سحری بیدار می شدند و امسال دیگر این صدا نیست تا مناجات دم صبح را برای آن ها بخواند. او می گوید: نماز اول وقت، روزه گرفتن و قرائت قرآن به ویژه در شب های جمعه، یادگاریهایی است که از پدر آموختم و طبق رسم همیشه آن را انجام می دهم تا روح پدر و مادرم در آرامش باشد و خداوند آن ها را بیامرزد.



جایزه روزهداری فاطمه خانم تقی زاده  
در دوران کودکی

## یک قران توت شیرین



سندوق  
خاطرات

صدرا روزهای پایانی سال  
را برای سفر به مشهد انتخاب  
کرده اند تا فرصت بیشتری برای  
زیارت و سیاحت داشته باشند. با ماشین  
از تهران راه افتاده اند و تار سیدن به مشهد از  
شهر تاریخی نیشابور هم دیدن کرده اند. قدمگاه  
و آرامگاه شاعران و هنرمندان نامدار نیشابور برایشان  
خاطرات شیرین و به یادماندنی به جا گذاشته است. امروز  
بعد از زیارت حرم مطهر، خودشان را به جلوخان رسانده اند  
تا از آرامگاه فردوسی، شاعر نامدار توس، دیدن کنند. سری به  
مجسمه های داستانی شاهنامه در جلوخان می زنند و عکس های  
یادگاری می گیرند.

### آرامش قلبی با توس

حسین صبوری به همراه همسر، دختر و مادر همسرش به مشهد آمده است و اطراف  
حرم مطهر را برای اقامت انتخاب کرده اند. تقریباً هر سال به شوق زیارت راهی مشهد  
می شوند و گنبد و بارگاه رضوی، اولین جایی است که به دیدار می روند، دیداری که  
برایشان آرامش به دنبال دارد. حسین آقا از همان کودکی تقریباً هر سال به مشهد آمده  
است. خاطرات زیبایی زیادی از اینجا دارد و می گوید: به نظر من، بهترین خاطره هر  
زائری، دیدن گنبد طلایی برای اولین بار است. شوق زیارت قلب هرانسانی را می لرزاند  
و با توسل به امام رضا (ع) آرامش پیدامی کند.

### حال و هوای زیبای بهار در مشهد

حسین آقامشهد را شهری می داند که همواره پیشرفت می کند، شهری که بازارها و اماکن  
دیدنی و تاریخی بسیاری دارد. اومی گوید: مردم مشهد مهمان نواز و خون گرم هستند و  
مشهد هر سال شلوغ تر از سال قبل می شود و برای رفت و آمد به مکان های مختلف باید  
ساعتی راد ترافیک بگذرانیم که این فرصت زائر را برای گشت و گذار و زیارت محدود  
می کند. خود ما امسال آخر سال را برای سفر انتخاب کردیم؛ زیرا هنوز سیل مسافران  
وزائران نوروزی راهی اینجا نشده اند. البته مشهد در نوروز نونوار می شود و دیدن این  
شهر در ایام تعطیل لطف و صفای دیگری دارد.

### جذب گردشگر با احداث جلوخان

اوارامگاه فردوسی رادوست دارد و در سفرهایش به مشهد بارها از اینجا هم دیدن کرده  
است. امروز هم به خواست دخترش به آرامگاه حکیم توس آمده اند تا بیشتر از گذشته  
با این شاعر بزرگ ایران آشنا شوند. کاشت گل های بهاری در این روزها آن ها را هم سر  
شوق آورده است و خانوادگی عکس یادگاری می گیرند. حسین آقامی گوید: اولین باری  
را که به آرامگاه فردوسی آمدم، به یاد دارم. پانزده ساله بودم و از طرف مدرسه چند روزی  
به مشهد آمدم. یکی از مکان هایی که از آن دیدن کردیم، همین جا بود. هنوز هم  
عکس های یادگاری را که با بچه ها گرفتیم، دارم و یاد آن، خاطرات آن سال ها را مرور  
می کنم. آرامگاه نسبت به آن سال ها بسیار تغییر کرده است. مسیر پیاده روی تار سیدن  
به ابتدای آرامگاه خاکی بود، حالا سنگ فرش زیبایی دارد و گردشگران بسیاری را جذب  
این محدوده می کند. مسئولان مشهد باید برای ترافیک و شلوغی این شهر فکری کنند.  
مسیر آرامگاه نیاز به مترو دارد؛ در این صورت، زائران و گردشگران بسیاری از این فضای  
تاریخی و فرهنگی بازدید خواهند کرد.

فهمیه شهری اشب های ماه رمضان برای خیلی از ما صدای ر بنا و مناجات هایی که از تلویزیون  
پخش می شود، خاطره ساز شده است، اما قدیمی ها و کهن سالان، ماه رمضان هایی داشتند  
که روایتش با خاطره های متفاوت است. فاطمه تقی زاده که اکنون در آستانه هشتاد سالگی  
قرار دارد، از سال هایی تعریف می کند که مردم روی پشت بام ها مناجات خوانی می کردند.  
او هنوز هم آن اشعار را به خوبی در خاطر دارد و با خود زمزمه می کند.

### مناجات های حاج محمود

فاطمه خانم متولد ۱۳۲۴ و ساکن محله آزادشهر است. او از سال هایی یاد می کند  
که در هر کوچه و محله ای، افرادی بودند که می رفتند روی پشت بام ها و شب خوانی  
می کردند، می گوید: آن موقع مثل الان رادیو و تلویزیون نبود. هر کس صدای خوبی  
داشت، شب های رمضان می رفت روی پشت بام و شب خوانی می کرد. در محل ما  
(بازارچه حاج آقا جان) یک حاج محمودی بود، خدا رحمتش کند، زبانش می گرفت.  
من در عالم بچگی خیلی سعی می کردم بفهمم چه می خواند. او ایل شب اشعاری  
مثل «من گلی ناچیز بودم، ولیکن مدتی با گل نشستم، کمال هم نشین در من اثر  
کرد، و گرنه من همان خاکم که هستم» را می خواند اما به سحر که نزدیک می شد،  
می گفت «خدا یا به حق حُسن یاسین، به حق سوره و الیل و التین، نسوزانی مرادر  
قعر سحین، اغثنی یا غیاث المستغیثین».

این اشعار آن قدر بر دل فاطمه خانم نشست است که هنوز هم ماه رمضان، آن ها را  
زمزمه می کند. به قول خودش این اشعار در عین سادگی، صفایی دارد که دل آدم  
را به خدا گره می زند.

اوسال اولی را که روزه برایش واجب بوده است، به خوبی در خاطر دارد و تعریف می کند: تا  
قبل از سال ۱۳۳۲ روزه کله گنجشکی می گرفتم اما از این سال روزه کامل گرفتم و خدا بیامرز  
پدرم برای اینکه من را تشویق کند، نزدیک افطار یک قران پول می داد و می گفت برو  
برای خودت خوراکی بخر.

### سینی های بزرگ زولبیا و پشمک

فاطمه خانم تقی زاده با خنده ادامه می دهد: خوراکی زمان ما مثل الان چیپس  
و پفک نبود. سر کوچه خانه مان، طبق های بزرگ توت داشتند. می رفتیم توت  
می خریدیم. نمی دانید چقدر توت هایش بزرگ، سفید و شیرین بود. هنوز هم طعم  
آن زیر زبانی است.

او یاد میرزا علی و احمد یزدی می کند و می گوید: خدا بیامرز دشان، این ها  
سینی های بزرگ زولبیا و پشمک داشتند. وقتی به محله می آمدند  
می گفتند «بدو بدو بیبا زولبیا داریم زرد، گل یاس داریم پشمک»، من  
هم کلی ذوق و شوق داشتم که بروم از آن ها زولبیا و پشمک بخرم.  
اومی گوید: صفایی که ماه رمضان های قدیم داشت، آن قدر  
زیاد بود که همه بچه ها دوست داشتند پابه پای بزرگ ترها  
روزه بگیرند.

### اگنبد بارگاه

خانواده تهرانی هر سال به شوق  
زیارت و بازدید از اماکن دیدنی  
به مشهد می آیند

## کاش مسیر توس مترو داشت



## اینفوگرافی

رنگ آمیزی جداول ۲۵۵ هزار متر طول رنگ آمیزی مبلمان شهری ۵۵۰۰ المان

رنگ آمیزی علائم ترافیکی ۶۰ پایه کاشت پرچین ۳۵ هزار بوته

نصب المان نوری ۱۰ پایه تجهیز سرویس بهداشتی ۱۲۱ چشمه

نوسازی مخازن زباله ۲۵۰ مخزن نوسازی آب نما ۳۱ مورد

کاشت گل فصلی ۱ میلیون بوته رفع نقص آب خوری ۱۲ دستگاه

کاشت گل دائمی ۳ هزار بوته نصب المان گل ۱۰۰۰ مورد

### خدمت سبز در آستانه نوروز

در چشم به هم زدنی بهار ۱۴۰۳ هم از راه رسید و گذر از روزهای زمستان ۱۴۰۲ به شمارش تک رقمی رسید؛ بهاری که قرار است با خود زیبایی بیاورد. در این آخرین نفس های زمستان، شهرداری منطقه ۱۲ هم به تکاپو افتاده است تا شهر را به رنگ بهار درآورد. در ادامه، اقدامات نیروهای شهرداری را در این روزهای پرکار که ذیل طرح «استقبال از بهار» انجام می گیرد، مرور می کنیم.

## محلات منطقه ما:

۱۱: زایشهر، آزادشهر، شهید رضوی، سیدرضی دانش آموز، دانشجو، تربیت، شریف و فارع التحصیلان

۱۲: الهیه، امیریه، وکیل آباد، جاهد شهر، کلا ته برفی فردوسی، چهاربرج، مجیدیه، رحمانیه، تقویه، صادقیه

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر  
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی  
دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد  
دبیر شهرآرا محله منطقه ۱۱: مصطفی بهشتی  
تلفن شهرآرا محله منطقه ۱۱: ۳۸۶۸۰۵۶۶  
تلفن دفتر شهرآرا محله منطقه ۱۲: ۳۱۲۹۶۳۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹  
دفتر منطقه ۱۱: بولوار دانشجو، دانشجو ۲۹، فرهنگسرای ترافیک، طبقه همکف

دفتر منطقه ۱۲: سجاده ۷، مجموعه ورزشی شهید نیکنام  
سایت مشهدچهره: mashhadchehreh.shahraranews.ir  
دریافت نسخه الکترونیکی شهرآرا محله از: shahraranews.ir

## آراستن طاووس الهیه به بهار

کاشت گل ها و آماده کردن فضای المان ها، هرس درختچه و درختان، از کارهای روزانه این نیروهای فعال شهر امام مهربانی هاست. منطقه ۱۲ نیز همچون سایر مناطق، خانه تکانی را از اوایل اسفند آغاز کرده است و نیروهای خدماتی منطقه با تلاش و پشتکار، بخش بزرگی از کار را به پایان رسانده اند. گل های رنگارنگ بر پرهای طاووس میدان ولیعصر (عج) جلوه ای زیبا بخشیده است.

میترا صدرا این روزها پاکبانان و باغبانان شهرداری مشغول بهارند. به رسم هر ساله خیابان ها و کوچه های مشهد، بوی بهار می گیرند. بهاری که با وجود المان ها، فرش گل ها، دیوارنگاری ها و آذین بندی ها زیباتر هم می شود. نیروهای فضای سبز و خدمات شهری شهرداری با سطل های رنگ و گلدان های بهاری در گوشه گوشه شهر دیده می شوند. رنگ آمیزی جداول و تابلوها،



عکس: حدیث فقیری / شهرآرا

هادی هراتی، نیروی خدمات شهری منطقه ۱۲، ۴۶ سال دارد. او می گوید: با رنگ آمیزی جداول و هرس درختان حال و هوای شهر را بهتر می کنیم. دوست داریم همه با آمدن بهار از حضور در شهر لذت ببرند.



نیروهای فضای سبز، لچکی های خیابان مجیدیه ۱۴ را با گل های شب بو همیشه بهار و عسلی رنگارنگ می کنند. این کار فرش های گل را در گوشه و کنار منطقه پدید آورده است.

حسین فعال تقی آبادی، از باغبانان شهرداری، مشغول آبیاری گل های بنفشه در میدان نیایش است. ۵۸ سال دارد و شش سال می شود که با شهرداری منطقه همکاری می کند. اجرای طرح های استقبال از بهار حس و حال خوبی برای او و همکارانش به دنبال دارد. او می گوید: لبخند مردم خستگی را از تنمان بیرون می آورد.



کاشت گل توسط دانش آموزان دبستان نجفی گل در باغچه های مدرسه و در کنار نیروهای فضای سبز در قاب استقبال از بهار ۱۴۰۳ جای می گیرد. این کار حس و حال بهار را برای این دانش آموزان متفاوت کرده است.



رنگ آمیزی نیمکت ها و سطل های زباله در بوستان انتهای خیابان سجاده ۶ این محدوده را ماندنی بسیاری از بوستان های منطقه نونوار کرده است. نیروهای زحمتکش شهرداری در مجموع بیش از ۳ هزار وسیله پارکی را رنگ کرده اند.